

واکاوی نظریه حکومتی بودن تعیین اصناف دیه نفس با رویکردی انتقادی به ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی

دانیال مبهوت‌زاده* مصطفی مسعودیان**

(تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۸)

چکیده

مناصب معصومین (علیهم‌السلام) را می‌توان به سه منصب ابلاغ احکام الهی، قضاوت و ولایت تقسیم کرد. توجه به شأن معصوم در صدور یک روایت کمک زیادی به فهم درست آن می‌کند، چراکه روایاتی که به اعتبار ابلاغ حکم الهی از معصوم صادر شده‌اند غیر قابل تغییر هستند، حال آنکه روایات صادره به اعتبار شأن قضایی یا ولایی معصوم قابل تغییر هستند. سؤال مهم آنکه آیا روایات ناظر به اصناف شش‌گانه دیه به اعتبار منصب ابلاغ حکم الهی معصومین است و در نتیجه در عصر حاضر جانی نسبت به پرداخت هر یک از آن اصناف مخیر است یا اینکه اساساً تعیین نوع و میزان دیه امری حکومتی است و حاکم اسلامی با لحاظ مقتضیات جامعه می‌تواند حکم به پرداخت صنفی خاص از این اصناف نماید؟ این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، ماهیت حکم به اصناف شش‌گانه دیه و مقادیر آن را حکومتی دانسته است. از این رو، جانی برای پرداخت دیه تنها باید از میان اصناف و مقادیر تعیین شده توسط حاکم، اقدام به پرداخت دیه کند. بر همین مبنا، حکم ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جهت واگذاری کلی و مبهم تعیین نوع دیه به مقررات شرعی، قابل نقد دانسته شده و جایگزینی ماده ۱-۴۲۱ لایحه مجازات اسلامی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: اصناف دیه، حکم حکومتی، حکم الهی، قانون مجازات اسلامی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

مقدمه

پیش از ظهور دین اسلام یکی از راه‌های تسکین آلام خانواده مقتول، پرداخت دیه توسط جانی بود. همزمان با ظهور دین اسلام، حکم به پرداخت دیه با شرایطی مورد امضاء قرار گرفت. از این رو، به جهت هدر نرفتن خون مقتول، در مواردی که جنایت ارتكابی منتهی به قتل غیر عمد باشد یا در مواردی که جنایت ارتكابی عمد باشد ولی به هر دلیل انجام قصاص غیر ممکن باشد، جانی ملزم به پرداخت یکی از اصناف شش گانه دیه نفس یعنی صد شتر، دویست گاو، هزار گوسفند، هزار دینار، ده هزار درهم و دویست دست حلهٔ یمنی بود. سؤال آنکه آیا حکم به پرداخت اصناف دیه حکمی ابدی است و در عصر حاضر نیز جانی نسبت به پرداخت هر یک از اصناف دیه مخیر است یا آنکه روایات ناظر به اصناف شش گانه دیه به اعتبار شأن ولایی پیامبر و ائمه معصومین صادر شده است. از این رو، آیا تعیین نوع و میزان دیه نفس با در نظر گرفتن مقتضیات هر جامعه از وظایف حاکم اسلامی است؟

پس از انقلاب اسلامی و در راستای دغدغه اسلامی کردن قوانین و مقررات کشور، ابتدا در قانون دیات مصوب سال ۱۳۶۱ و سپس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، با تلقی توفیقی بودن اصناف شش گانه دیه، دیه قتل مرد مسلمان یکی از اصناف شش گانه مذکور دانسته شد، که قاتل نسبت به انتخاب هر یک از آنها اختیار تام داشت. اما مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۸ در مصوبه نخست خود پیرامون قانون مجازات اسلامی جدید برای نخستین بار ضمن حذف اصناف شش گانه دیه، تعیین و اعلام موارد دیه کامل در ابتدای هر سال را به رئیس قوه قضائیه واگذار کرد. همین موضوع باعث شد شورای نگهبان مصوبه مجلس را خلاف موازین شرع اعلام کند و مجلس در مصوبه اصلاحی خود در راستای برطرف کردن ایراد شورای نگهبان، دوباره اصناف شش گانه دیه را مورد حکم قرار دهد. این رویارویی مرجع مصوب و نهاد ناظر بستری را برای بازپژوهی حکم اصناف شش گانه دیه فراهم می کند تا با اتکاء به ادله فقهی، متقن ترین دیدگاه شناسایی شود و در آینده مورد توجه دست اندرکاران قانون گذاری در کشور قرار گیرد.

اگرچه تاکنون در خصوص اصناف دیه پژوهش‌های مختلفی انجام شده‌اند، بخشی عمده از این پژوهش‌ها ناظر به پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نظارت شرعی شورای نگهبان در این خصوص هستند. همچنین، در این تحقیقات ادله و مبانی رویکرد الهی یا حکومتی بودن اصناف دیه کمتر نقد و بررسی شده است. از این رو، پژوهش حاضر سعی دارد ضمن بررسی مبانی این دو رویکرد، تحولات تقنینی و نیز نظارت شورای نگهبان در خصوص اصناف دیه را بررسی کند. بدین منظور مطالب مقاله در چهار بخش ارائه شده است: بخش نخست به تبیین اصناف دیه پرداخته است؛ در بخش دوم هر یک از مبانی نظریات الهی یا حکومتی بودن اصناف دیه بررسی شده است؛ هدف بخش سوم تحلیل رویکرد مجلس و شورای نگهبان در این مسئله به عنوان ارکان اصلی قانون‌گذاری در کشور است؛ و در نهایت، با ارزیابی عملکرد این دو نهاد، نتیجه بحث ارائه شده است.

۱. اصناف دیه

دیه در اصطلاح فقهی عبارت است از مالی که به سبب جنایت بر نفس یا عضو واجب می‌شود (جبی‌العاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۵: ۳۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۵۵۳). در قرآن کریم اشاره‌ای به اصناف دیه و مقادیر آن نشده است، بلکه تنها اصل دیه مورد حکم قرار گرفته است.^۱ از این رو، برای شرح و تفصیل این حکم باید به سایر ادله شرعی مراجعه شود. با تتبع در ادله شرعی می‌توان دریافت که دلیل اصلی در خصوص اصناف دیه روایات هستند. البته برخی فقها از جمله مقدس اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۳۰۹) یا فیض کاشانی (فیض، بی تا، ج ۲: ۱۴۳) بر ثبوت اصناف دیه ادعای اجماع کرده‌اند. اما با توجه به وجود روایات متعدّد در این خصوص، اجماع یادشده به دلیل مدرکی بودن قابل استناد نیست.

۱. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...» (نساء: ۹۲).

نکته آنکه در هیچ یک از آنها مجموع اصناف دیه به همراه مقادیر آن مورد حکم قرار نگرفته است، چراکه در برخی از روایات فقط به شتر اشاره شده است: «از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام) روایت شده است که دیه صد شتر است و در دیه دینار و درهم یا چیز دیگر کافی نیست»^۱. در بعضی علاوه بر شتر سخن از درهم و دینار نیز به میان آمده است. برای نمونه، در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «دیه ده هزار درهم یا صد دینار یا صد شتر است»^۲. در بعضی دیگر تنها سخن از شتر، گاو و گوسفند است: «ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که دیه مرد صد شتر است، اگر پرداخت شتر ممکن نبود، به میزان ارزش شتر، گاو و اگر پرداخت گاو نیز ممکن نبود، هزار گوسفند پرداخت می شود»^۳. در بعضی دیگر، از چهار صنف بحث شده است: «دیه صد شتر است و قیمت هر شتر صد و بیست درهم یا ده دینار و از گوسفند، بهای هر گونه شتر بیست گوسفند است»^۴. در بعضی روایات علاوه بر پنج صنف قبلی، سخن از حله نیز شده است: «عبدالرحمن پسر حجاج گفته است: از ابن ابی لیلیا شنیدم که می گوید: دیه در روزگار جاهلیت صد شتر بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز آن را تأیید کرد. سپس آن حضرت بر آنان که گاو دارند دویست گاو و بر گوسفندداران هزار گوسفند دوساله و بر دارندگان طلا هزار دینار و دارندگان نقره ده هزار درهم و بر اهل یمن دویست حله را مقرر کرد. عبدالرحمن می گوید: از امام صادق (علیه السلام) از آنچه ابن ابی لیلیا گفته بود پرسیدم، حضرت فرمود: علی (علیه السلام) می فرمود: دیه هزار دینار است و بهای هر دینار ده درهم و ده هزار درهم

۱. «عن محمد بن مسلم و زراره و غیرهما عن أحدهما (علیهما السلام) فی الدیه قال: هی مائة من الابل و لیس فیها دنانیر و لا دراهم و لا غیر ذلك الحدیث» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۶)

۲. «عن محمد بن عیسی عن یونس عن بعض أصحابنا عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: الدیه عشرة آلاف درهم أو ألف دینار أو مائة من الابل» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۶).

۳. «عن أبی بصیر قال: دیه الرجل مائة من الابل، فإن لم یکن فممن البقر بقیمة ذلك، فإن لم یکن فألف کیش...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۴).

۴. «عن عبدالله بن سنان، قال: سمعتُ أبا عبدالله (علیه السلام) یقول فی حدیث: إن الدیه مائة من الابل، و قیمة کل بعیر من الورد مائة و عشرون درهما، أو عشرة دنانیر، و من الغنم قیمة کل ناب من الابل عشرون شاة.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۴)

برای ساکنین در شهر و برای بیابان نشینان صد شتر و برای اهل عراق صد گاو و یا هزار گوسفند است.^۱ در یک روایت نیز بدون ذکر مقادیر دیه، هر شش صنف ذکر شده است: در این روایت جمیل بن دراج می گوید: «دیه هزار دینار یا ده هزار درهم است؛ از اهل حلّه، حلّه؛ از دارندگان شتر، شتر؛ از دارندگان گوسفند، گوسفند؛ و از دارندگان گاو، گاو به عنوان دیه گرفته می شود».^۲ اگرچه در هیچ یک از این روایات مجموع اصناف دیه و مقادیر آن مورد حکم قرار نگرفته است، با ضمیمه روایات به یکدیگر می توان شش صنف را برای دیه نفس تصور کرد. شاید بر همین مبناست که مشهور فقهای امامیه دیه جنایت بر نفس را یکی از اصناف یکصد شتر سالم که خیلی لاغر نباشند، دویت گاو سالم که خیلی لاغر نباشند، یک هزار گوسفند سالم که خیلی لاغر نباشند، یک هزار دینار رایج، ده هزار درهم رایج و نیز دویت دست لباس از حلّه های یمنی دانسته اند که جانی در انتخاب هر یک از آنها مخیر است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۱۹؛ جیبی العاملی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۲۹).

۲. ماهیت حکم به اصناف دیه

روایات پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) ممکن است به اعتبار مناصب مختلف ایشان صادر شود. توضیح آنکه پیامبر اکرم و جانشینان وی دارای شئون و مناصب مختلفی هستند. شهید اوّل در این خصوص می نویسد: «تصرف النبی (صلی الله علیه و آله) تاره بالتبلیغ، و هو الفتوی. (و تاره) بالإمامه، کالجهاد و التصرف فی بیت المال. (و تاره) بالقضاء کفصل الخصومه بین

۱. «عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: سمعت ابن ابي لیلی يقول: كانت الدية في الجاهلية مائة من الابل فأقرها رسول الله، ثم إنه فرض على أهل البقر مائتي بقرة، و فرض على أهل الشاة ألف شاة ثنية، و على أهل الذهب ألف دينار، و على أهل الورق عشرة ألف درهم، و على أهل اليمن الحلل مائتي حلة. قال عبدالرحمن بن الحجاج: فسألت أبا عبد الله عما روى ابن ابي لیلی، فقال: كان على (عليه السلام) يقول: الدية ألف دينار، و قيمة الدينار عشرة دراهم، و عشرة آلاف لاهل الامصار و على أهل البوادی مائة من الابل، و لاهل السواد مائة بقرة، أو ألف شاة» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۳).

۲. «عن جمیل بن دراج، فی الدية، قال: ألف دينار، أو عشرة آلاف درهم. و يؤخذ من أصحاب الحلل الحلل، و من أصحاب الابل الابل، و من أصحاب الغنم الغنم، و من أصحاب البقر البقر.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۵)

المتداعین بالبینه أو اليمين أو الإقرار» (عاملی، بی تا، ج ۱: ۲۱۴). طبق این بیان، پیامبر دارای سه نوع تصرّف و شأن است: شأن تبلیغ؛ شأن ولایت و امامت؛ و شأن قضاوت و فصل خصومت. از نظر ایشان کلیّه تصرّفات و اوامر پیامبر در عبادات از سنخ تبلیغ حکم الله است. اما گاه نسبت به برخی تصرّفات تردید می شود که آن تصرّف مربوط به کدام یک از شئون پیامبر است، از جمله این موارد روایت نبوی است: «مَنْ قَتَلَ قَتِيلًا فَلَهُ سَلْبَةٌ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۴۰۳)، یعنی ابزار و وسائل مقتول در جنگ جزء غنائم عامّه نیست، بلکه متعلّق به شخصی است که او را می کشد. ایشان در ادامه بنا بر قرائن مختلف از جمله اینکه حضرت تنها در برخی جنگها چنین حکمی را صادر کرده اند، معتقد است که روایت مزبور از شأن ولایت پیامبر صادر شده است و از این رو نمی توان حکم پیامبر را تعمیم داد و در هر جنگی اموال منقول مقتول را متعلّق به همان فرد مجاهد دانست (عاملی، بی تا، ج ۱: ۲۱۷). بر همین مبنا، برخی فقها حکم پیامبر در این روایت را مصلحتی و به منظور تحریض مسلمانان برای شرکت در جهاد دانسته اند (علّامه حلّی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۰۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۱۸۶).

امام خمینی (ره) نیز پیامبر و جانشینان وی را دارای سه منصب می داند: نخست مقام نبوت و رسالت که در این قسم پیامبر مُبَلِّغ و رسول خداست و امر و نهی او جز ارشاد به امر خدا نیست و مخالفت با او در واقع مخالفت با خداست؛ دوّم مقام حکومت و ریاست عامّه است که پیامبر بر اساس آن، حقّ امر و نهی دارد و پیروی از او واجب است؛ اما نه از جهت ارشاد به حکم الهی بلکه از مقام سلطان و حاکمی که او امر او مستقل به شمار می آید، مانند اینکه آن حضرت امر به آماده شدن برای جنگ نمایند؛ و سوّم مقام قضاوت و داوری است که پیامبر بر اساس این منصب به قضاوت در میان مردم می پردازد و آیه ۶۵ سوره نساء^۱ به این منصب اشاره دارد (موسوی خمینی، ۱۴۱۴: ۱۰۵-۱۰۷). با این توضیح می توان احکام شرعی را از جهت منبع صدور آن به دو نوع الهی و حکومتی تقسیم کرد. حکم الهی از جانب خدا صادر شده است و پیامبر و جانشینان

۱. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء:

ایشان موظف به ابلاغ آن به مردم هستند و حکم حکومتی از جانب حاکم اسلامی و به حسب مصلحت وقت اتخاذ می‌شود (طباطبائی، ۱۳۴۱: ۸۳).

گفتنی است در این نوشتار وجود شأن ولایت برای معصومین و در زمان غیبت معصوم برای نائب عام ایشان یعنی ولی فقیه مفروغ‌عنه است، چراکه بحث از ادله عقلی و نقلی وجود شأن ولایت برای فقیه در این تحقیق نمی‌گنجد، بلکه موضوعی که در اینجا بحث می‌شود آن است که آیا روایات ناظر به اصناف دیه از جنس ابلاغ و بیان حکم الله بوده است یا به جهت شأن ولایت ایشان صادر شده است؟ به عبارت دیگر، آیا حکم به پرداخت اصناف دیه در روایات حکمی کلی و همیشگی است و در زمان حاضر نیز جانی نسبت به انتخاب یکی از این اصناف مخیر است یا انتخاب جانی محدود به اصناف و مقادیر تعیین شده توسط حاکم اسلامی است؟ در ادامه مبانی و ادله هر دو دیدگاه بررسی خواهند شد.

۲-۱. نظریه حکومتی بودن اصناف دیه

بر اساس این نظریه، دقت در روایات ناظر به اصناف دیه حاکی از قرآنی است که می‌تواند مثبت حکومتی بودن حکم اصناف دیه باشد. از جمله این قرائن آن است که در روایت عبدالرحمن بن حجاج و جمیل بن دراج، که پیش‌تر ذکر شد، به ترتیب از تعبیر «فرض علی» و «یؤخذ من اصحاب» استفاده شده است که نشان‌دهنده آن است که تعیین نوع دیه نفس به دست حاکم اسلامی است و ایشان با لحاظ مقتضیات زمان و مکان، صنف یا صنوفی از دیات شش‌گانه را تعیین می‌کند. در این خصوص امام خمینی (ره) با تأیید معیار مذکور برای تشخیص روایات حکومتی از غیر آن می‌نویسد:

«هر روایتی که از پیامبر اکرم و حضرت علی با واژه‌هایی چون «قضی»، «حکم» یا «أمر» و مانند آن وارد شده، بر حکم حکومتی و قضایی دلالت دارد، نه بر حکم شرعی، و اگر مقصود از آن روایت، حکم شرعی باشد، یا به صورت مجاز در آن معنا به کار برده شده و یا ارشاد به حکم الهی است، زیرا از ظاهر این واژه‌ها چنین بر می‌آید که پیامبر از آن جهت که حاکم و قاضی

است، دستور داده، نه از آن جهت که بیان کننده احکام الهی و مُبلِّغ حلال و حرام است... تحقیق در مقام و ظهور لفظی و همچنین تتبع این واژه‌ها در روایات مربوط به قضاوت‌ها و اوامر حکومتی رسول الله و امیرالمؤمنین این سخن را تأیید می‌کند و از آن جهت که دیگر امامان معصوم حکومت ظاهری نداشته‌اند، چنین تعبیرهایی از آنان دیده نمی‌شود و اگر در موارد اندک از این واژه‌ها استفاده کرده‌اند، به اعتبار آن بوده که به حسب واقع حاکم بر مردم بوده‌اند» (موسوی خمینی، ۱۴۱۴: ۱۰۷-۱۰۸).

از این رو، ایشان حدیث نبوی «لا ضررَ و لا ضرارَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵: ۴۲۹) را از مصادیق روایات حکومتی دانسته و می‌نویسد:

«حدیث نفی ضرر و ضرار، از مسند احمد حنبل به روایت عبادة بن صامت در ضمن فزاهایی آمده که با واژه «قضی» شروع شده است. روشن شد که از ظاهر واژه‌های قضی، امر و حکم، بر می‌آید که مسئله از مواردی بوده که پیامبر به عنوان حاکم یا قاضی دستوری صادر کرده است و چون مورد از موارد قضاوت نبوده، پس دستور حکومتی بوده است. پیامبر با توجه به مقام حکومتی خود، از ضرر و ضرار نهی کرده است. بنابراین، معنای روایت این می‌شود: پیامبر به عنوان حاکم اسلامی مردم را از هرگونه زیان‌رسانی به دیگران باز می‌دارد و بر دیگران، پیروی از دستور وی، واجب است.» (موسوی خمینی، ۱۴۱۴: ۱۱).

بر همین مبنا، یکی از قائلین به این نظریه اظهار داشته است که اگرچه تعبیر «فرض» در روایت عبدالرحمن بن حجاج عام است و ممکن است بیانگر یک حکم کلی و ابدی نیز باشد، احتمال حکومتی بودن آن به واسطه روایت حکم بن غنّیه از امام باقر (علیه السلام)^۱ تقویت می‌شود،

۱. «عَنِ الْحَكَمِ بْنِ غُنَّيْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ الدِّيَّاتِ إِنَّمَا كَانَتْ تُؤْخَذُ قَبْلَ الْيَوْمِ - مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالغَنَمِ قَالَ - فَقَالَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي الْبَوَادِي قَبْلَ الْإِسْلَامِ - فَلَمَّا ظَهَرَ الْإِسْلَامُ وَكَثُرَتِ الْوَرَقُ فِي النَّاسِ - فَسَمَّهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْوَرَقِ قَالَ الْحَكَمُ - قُلْتُ أَرَأَيْتَ مَنْ كَانَ الْيَوْمَ مِنْ أَهْلِ الْبَوَادِي - مَا الَّذِي يُؤْخَذُ مِنْهُمْ فِي الدِّيَّةِ الْيَوْمَ إِبِلٌ أَوْ وَرَقٌ - فَقَالَ الْإِبِلِ الْيَوْمَ مِثْلُ الْوَرَقِ - بَلْ هِيَ أَفْضَلُ مِنَ الْوَرَقِ فِي الدِّيَّةِ - إِنَّهُمْ كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ فِي دِيَّةِ الْخَطَا مِائَةَ مِنَ الْإِبِلِ - يُحْسَبُ لِكُلِّ بَعِيرٍ مِائَةُ دِرْهَمٍ فَذَلِكَ عَشْرَةُ آلَافٍ - قُلْتُ لَهُ فَمَا أَسْنَانُ الْمِائَةِ بَعِيرٍ - فَقَالَ مَا خَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۲۰۲).

«حکم بن غنّیه به امام باقر (علیه السلام) فرمودند: پیش از این، تنها شتر و گاو دیه قرار می‌گرفت؟ امام فرمودند: این حکم،

چراکه مستفاد از این روایت آن است که در ابتدای ظهور اسلام درهم و دینار بین مردم رایج نبود و از این رو شتر ملاک پرداخت دینه بوده است ولی پس از آنکه در زمان امیرالمؤمنین سکه رایج شد، حضرت ملاک دینه را درهم و دینار قرار داد (سروش محلاتی، ۱۳۹۶: ۵۲). به عبارت دیگر، روایت صحیح حکم بیانگر آن است که برای دینه صنف ثابتی وجود ندارد، بلکه زمانی که شتر در دسترس مردم باشد دینه از شتر پرداخت می‌شود و زمانی که درهم و دینار رایج باشد دینه از درهم و دینار پرداخت می‌شود. صاحب جواهر در این خصوص می‌نویسد: «قد یشعر صحیح ابن عتیبه عن الباقر (علیه السلام) فی حدیث، بكون مدار الدینه فی کل أرض علی ما یوجد فیها غالباً» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۸). همچنین، از تعبیر «امیرالمؤمنین» در گفتار امام در جواب حکم بن عتیبه به دست می‌آید که امام علی (علیه السلام) در جایگاه حاکم اسلامی، درهم را مطابق شرایط زمان خود دانسته و آن را به عنوان دینه تعیین کرده است (سروش محلاتی، ۱۳۹۶: ۵۲).

نتیجه آنکه مطابق با این نظریه، با عنایت به قرائن موجود در روایات ناظر به اصناف دینه، تعیین اصناف دینه امری حکومتی است. ویژگی اصلی احکام حکومتی نیز آن است که امام با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، به آنچه مطابق با مصلحت جامعه مسلمین است حکم می‌نماید. از این رو، با توجه به تغییر شرایط زمان و مکان، حکم معصوم نیز قابل تغییر است. بر این اساس، در عصر حاضر تعیین اصناف و مقادیر آنها با در نظر گرفتن شرایط عصر حاضر بر عهده رهبری جامعه اسلامی است و جانی تنها از میان اصناف تعیین شده توسط حاکم اسلامی اقدام به پرداخت دینه خواهد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

برای بیابان‌نشینان پیش از اسلام بوده است. پس چون اسلام ظهور کرد و پول در بین مردم زیاد شد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) دینه را بر اساس درهم و دینار محاسبه کرد. حکم می‌گوید: به امام عرض کردم: اکنون از بیابان‌نشینان برای دینه چه چیز گرفته می‌شود؟ شتر یا پول؟ امام فرمود: امروز شتر مانند پول است، بلکه برای بیابان‌نشینان شتر از پول بهتر است. از آنان همیشه در قتل خطایی صد شتر به عنوان دینه گرفته می‌شود و هر شتری به صد درهم محاسبه می‌شد که معادل ده هزار درهم است.»

۲-۲. نظریه الهی بودن اصناف دیه

بر اساس این دیدگاه، قول و فعل و تقریر پیامبر و معصومین (علیهم السلام) از منابع استنباط احکام شرعی به شمار می‌روند و برای همه مردم و در تمامی اعصار شرعاً حجّت هستند، مگر اینکه قرینه‌ای مبنی بر اختصاص یک حکم به معصوم یا زمانی خاص وجود داشته باشد. از مجموع روایاتی همچون روایت نبوی «حُكْمِي عَلَى الْوَاحِدِ حُكْمِي عَلَى الْجَمَاعَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۷۳) یا روایت امام صادق (علیه السلام)، «حُكْمُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَفَرَائِضُهُ عَلَيْهِمْ سَوَاءٌ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ أَوْ حَادِثٍ»، یعنی حکم خداوند [در تمام زمان‌ها و دوران‌ها] برای اولین و آخرین یکسان است، مگر اینکه علت یا جریان خاصی وجود داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۸) و همچنین روایت «حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۸)، این نکته برداشت می‌شود که آموزه‌های دین ابدی و همگانی هستند و برای افراد خاص و در زمان خاص بیان نشده‌اند. از این رو، با عنایت به اینکه در روایات حکم به پرداخت اصناف دیه مقید به زمان و مکانی خاص نشده است، پرداخت اصناف شش‌گانه دیه در تمامی اعصار و زمان‌ها جاری است.

بدیهی است در صورت تردید در اینکه روایات ناظر به اصناف دیه از جمله احکام الهی هستند یا حکومتی، قاعده و اصل مقتضی آن است که تا وقتی قرینه‌ای مبنی بر قضایی یا حکومتی بودن این روایات نباشد، این روایات باید در زمره احکام الهی قرار گیرند، چراکه اصل اولی اشتراک احکام میان تمامی مسلمانان از عصر رسول الله تا کنون است.

از طرفی، عمده استناد نظریه حکومتی بودن حکم اصناف دیه، قرائن موجود در دو روایت عبدالرحمن بن حجاج و جمیل بن دراج است، حال آنکه این دو روایت به دلیل ضعف در سند نمی‌توانند مثبت این نظریه قرار بگیرند، زیرا روایت عبدالرحمن بن حجاج مرسله است (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۲۳۳)، ضمن آنکه راوی آن ابن ابی لیلا است که سنی مذهب است و علمای رجال وی را توثیق نکرده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۲۳۳). اشکال روایت جمیل بن دراج نیز موقوفه بودن آن است (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲: ۲۳۳)، زیرا جمیل آن را از امام گزارش

نکرده است و روایت موقوفه حجّت نیست. علاوه بر ضعف سندی، دلالت واژگانی مانند «فرض» بر حکومتی بودن دیه تمام نیست، زیرا این نوع تعابیر در احکام مسلم اسلامی نیز آمده است. از این رو، حمل این دسته از روایات بر حکومتی بودن، مستلزم موقتی و قابل تغییر بودن این احکام خواهد بود.

بنابراین، با وجود اطلاق روایات ناظر به اصناف دیه و ضعف سندی و دلالتی مستندات نظریه حکومتی بودن اصناف دیه باید گفت اصناف شش گانه دیه حکمی الهی و غیر قابل تغییر هستند. از این رو، در زمان حاضر نیز جانی برای پرداخت دیه نسبت به انتخاب یکی از آن اصناف مخیر است.

۳-۲. ارزیابی نظریه‌ها

اگرچه دو روایت عبدالرحمن بن حجاج و جمیل بن دراج به دلیل ضعف سندی مورد خدشه واقع شده‌اند و به این اعتبار تمسک به قرائن موجود در این دو روایت برای اثبات نظریه حکومتی بودن اصناف دیه با اشکال مواجه شده است، عمل مشهور فقها به این دو روایت، ضعف سندی این روایات را جبران خواهد کرد، چراکه مشهور فقها به منظور اثبات اصلی بودن همه اصناف دیه به این دو استناد کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۸)، ضمن آنکه فقها موقوفه بودن صحیحه جمیل را مضر نمی‌دانند، زیرا جمیل تنها از معصوم روایت نقل می‌کند. از این رو، مراسیل جمیل را همچون مسانید وی معتبر می‌دانند (عاملی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۵۶). علاوه بر این، برخی معتقدند اساساً روایت جمیل مضمهره است نه موقوفه، زیرا اگر عبارت این گونه بود که «قال جمیل بن دراج» اشکال وارد بود، زیرا سند به امام متصل نبود، اما سند این چنین است: «عن جمیل بن دراج فی الدیه قال (...).» از این رو، روایت مضمهره است و در روایات مضمهره تفاوتی نیست راوی بگوید «عنه» و گوینده (یعنی امام) را مشخص کند و یا بگوید «قال» و با ارجاع ضمیر «قال» امام مشخص شود. بدین ترتیب، روایت مزبور از امام صادر شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۷۴).

در خصوص ضعف دلالتی روایت عبدالرحمن بن حجاج نیز باید گفت چنین نیست که در هر روایتی تعبیر «فرض» حمل بر حکومتی بودن آن روایت شود، بلکه حکومتی بودن آن نیاز به قرینه‌هایی یا مقالیه دارد. بر همین مبنا، امام خمینی (ره) حتی حکومتی بودن روایاتی را که با تعبیری مانند «قال» شروع شده است به شرط وجود قرینه بعید ندانسته است و می‌نویسد: «احکام حکومتی و قضایی در پاره‌ای از روایات با واژه «قال» و مانند آن آمده که شناخت آنها از راه قرینه‌هایی یا مقالیه امکان‌پذیر است؛ از باب نمونه، اگر در حدیثی آمده بود: پیامبر به فردی گفت: تو رئیس لشگری، به فلان منطقه حرکت کن، هر چند با واژه «قال» از آن حضرت نقل شده باشد، ولی به قرینه‌هایی می‌فهمیم که این دستور، دستور حکومتی است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۴: ۱۰۸). از این رو، با عنایت به وجود قرائنی همچون روایت حکم بن عتیبه، که پیش‌تر ذکر شد، این روایت از این جهت فاقد ضعف دلالتی به نظر می‌رسد.

در مجموع، با جبران ضعف سندی و دلالتی این دو روایت، استناد به قرائن موجود در روایات مورد بحث برای اثبات نظریه حکومتی بودن روایات اصناف دیه بدون اشکال به نظر می‌رسد. علاوه بر این، دقت در روایات ناظر به اصناف دیه حاکی از قرائن و شواهدی است که می‌تواند نظریه اخیر را تقویت کند. این شواهد عبارتند از:

الف) امضایی بودن حکم دیه: در بین روایات وارد شده در این باب روایتی صحیح و وجود دارد که بیانگر آن است که اسلام با امضای حکم دیه، همان سنتی را که پیش از اسلام بین اعراب در مورد اخذ دیه وجود داشت با اصلاحاتی پذیرفته است. در این روایت پیامبر در وصیت خود به امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ای علی! همانا عبدالمطلب در دوران جاهلیت پنج سنت را بر پاداشت که در اسلام هم همانا جاری و ساریند. تا آن جا که فرمود: در قتل نفس صد شتر قرار داد که خداوند آن را در اسلام جاری ساخت». ^۱ بدیهی است قرارداد صد شتر به عنوان دیه توسط اسلام بدین خاطر بوده است که در آن زمان هیچ چیز به اندازه شتر نزد اعراب از ارزش

۱. «يَا عَلِيُّ إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خَمْسَ سُنَنِ - أُجْرَاهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ إِلَى أَنْ قَالَ - وَ سَنَّ فِي الْقَتْلِ مِائَةَ مِّنَ الْإِبِلِ - فَأَجْرِي اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْإِسْلَامِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۸).

برخوردار نبوده است (شفیعی سروسستانی و همکاران، ۱۳۷۶: ۲۷۲). حتی از اقوال اهل لغت چنین استفاده می‌شود که اعراب نه تنها بر شتر بیش از هر چیز دیگر اطلاق «مال» می‌کرده‌اند، بلکه در بعضی موارد «مال» را به طور مطلق در شتر و سایر حیوانات بکار می‌برده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۶۵۳). با این توضیح معلوم می‌شود که امام و حاکم اسلامی می‌تواند با در نظر گرفتن مصالح هر زمان به تعیین نوع دیه پردازد.

ب) ملاحظه زمان و مکان در پرداخت دیه: دقت در روایات ناظر به اصناف دیه بیانگر آن است که تعیین صنف یا صنوفی از دیه با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی همراه بوده است. از جمله این روایات روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) است.^۱ این روایت از جمله روایات صحیحه است (مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۱۶: ۳۲۱) و به روشنی بر این امر دلالت دارد که ملاک پرداخت نوع دیه آن اجناسی است که بیشترین رواج را در جامعه دارند و جانی می‌تواند به آسانی آن را تهیه و به اولیای دم پرداخت کند. از این رو، امام فرمودند: اگر در سرزمینی باشد که دینار رایج است، دیه هزار دینار و اگر در سرزمینی باشد که شتر در دسترس است، دیه صد شتر و اگر در سرزمینی باشد که درهم رواج دارد، دوازده هزار درهم پرداخت شود.

پ) اختلاف تعابیر روایات: همانطور که پیش‌تر بیان شد، در هیچ یک از روایات اصناف دیه، مجموع اصناف و مقادیر آن مورد حکم قرار نگرفته است، بلکه در هر روایت صنف یا صنوفی خاص ذکر شده است. اختلاف تعابیر روایی در این خصوص تا آنجاست که حتی در مورد میزان یک صنف از اصناف دیه نیز اختلاف دیده می‌شود، چراکه بر اساس روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) دیه دوازده هزار درهم تعیین شده است، حال آنکه بر اساس سایر روایات از جمله صحیحه ابن حجاج و نیز دیدگاه مشهور فقها مقدار درهم، ده هزار دانسته شده است. این

۱. «مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا قِيدَ مِنْهُ - إِلَّا أَنْ يَرْضَى أَوْلِيَاءَهُ الْمُقْتُولِ أَنْ يَقْبَلُوا الدِّيَةَ - فَإِنْ رَضُوا بِاللَّيْثِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ الْقَاتِلُ - فَالْدِّيَةُ اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا أَوْ أَلْفٌ دِينَارٍ أَوْ مِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ - وَإِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ فِيهَا الدَّنَانِيرُ فَأَلْفٌ دِينَارٍ - وَإِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ فِيهَا الْإِبِلُ فَمِائَةٌ مِنَ الْإِبِلِ - وَإِنْ كَانَ فِي أَرْضٍ فِيهَا الدَّرَاهِمُ - فَدَرَاهِمٌ بِحِسَابِ (ذَلِكَ) اثْنَا عَشَرَ أَلْفًا» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۱۹۶).

اختلاف تعابیر خود می‌تواند مؤید آن باشد که پرداخت صنف یا صنوفی از دیات، به تشخیص امام و حاکم اسلامی تابع مقتضیات عصر خود است. از این رو، در زمان پیامبر که شتر بیشترین رواج را در معاملات و زندگی روزمره مردم داشت به عنوان معیار پرداخت دیه معرفی شد، حال آنکه حضرت امیر در عصر خود درهم را به عنوان ملاک پرداخت دیه تعیین کرد. در خصوص اختلاف دراهم در روایات نیز چنین عنوان شده است که ارزش درهم به نسبت دینار نوسان داشته است؛ گاه ده هزار درهم معادل هزار دینار و گاه دوازده هزار درهم معادل هزار دینار بوده است (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۴: ۲۵).

ممکن است گفته شود پذیرش نظریه حکومتی بودن تعیین اصناف دیه با فتوای مشهور فقها در این خصوص ناسازگار است، زیرا همانطور که پیش‌تر گفته شد مشهور فقها جانی را در انتخاب یکی از اصناف شش‌گانه دیه مخیر دانسته‌اند، حال آنکه این نظریه منافاتی با نظر مشهور فقها ندارد، زیرا به گواه تاریخ، فقهای امامیه از فرصت تشکیل حکومت و بالتبع لوازم آن به دور بوده‌اند. بدین ترتیب، موضوعات جزایی که نمود حکومتی بیشتری داشتند کمتر از بعد حکومتی و اجرایی مورد بحث و نظر قرار می‌گرفته‌اند. از این رو، فقهای متأخر به بیان همان اصناف شش‌گانه دیه اکتفا کرده و ورودی نسبت به حکومتی یا الهی بودن اصناف دیه نداشته‌اند.

بنابراین، با عنایت به قرائن موجود در روایات ناظر به اصناف دیه، می‌توان حکم به پرداخت صنف یا اصنافی از دیه توسط پیامبر و معصومین (علیهم‌السلام) را به اعتبار شأن ولایی و حکومتی ایشان و با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی ایشان تفسیر کرد. امروزه تعیین موارد و مقادیر دیه نفس با ملاحظه تحولات اجتماعی و مصلحت جامعه اسلامی به دست رهبری است. از طرفی، استفاد از فتاوی مقام رهبری^۱ آن است که با توجه به عدم رواج درهم و دینار مسکوک در عصر

۱. در سال ۱۳۷۳ نامه‌ای از سوی رئیس قوه قضائیه به وزیر دادگستری که مبتنی بر نظر فقهی مقام رهبری بود به شرح زیر صادر شد: «با اطلاع از نظر فقهی اخیر مقام منبع ولایت و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در مسئله دیه مبنی بر اینکه درهم و دینار در جمع اعیان شش‌گانه به عنوان پول رایج زمان می‌باشد و در حقیقت جانی در انتخاب احد از اعیان چهارگانه یا قیمت سوقیه رایج مخیر است، مراتب جهت تعیین تکلیف با توجه به حاکمیت ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی

حاضر و نیز خروج موضوعی و حکمی حله از اصناف دیه، در صورت تمایل جانی برای پرداخت اعیان و اصناف دیه، جانی باید یکی از انعام ثلاثه یعنی شتر، گاو و گوسفند را انتخاب و به اولیای دم پرداخت کند. البته این موضوع به معنای آن نیست که امکان پرداخت قیمت آن انعام وجود ندارد، بلکه در صورت توافق جانی و اولیای دم، پرداخت قیمت انعام ثلاثه که بر اساس نظر رهبری در ابتدای هر سال اعلام می شود بلامانع است.

گفتنی است مستفاد از عبارت «فرض علی اهل» در روایت عبدالرحمن بن حجاج و نیز عبارت «یؤخذ من اصحاب» در روایت جمیل بن دراج آن است که صلاحیت تعیین نوع و میزان دیه در هر عصر تنها مختص به حاکم اسلامی است. علاوه بر این، تعیین اصناف دیه از امور اجتماعی و حاکمیتی است و بدین جهت سایر فقها در این خصوص اختیاری ندارند، چراکه پذیرش این صلاحیت برای همه فقها، زمینه اختلاف و تشتت در آراء دادگاهها را فراهم خواهد کرد.

۳. تحلیل رویکرد مجلس و شورای نگهبان

پس از انقلاب اسلامی در راستای شرعی کردن قوانین، اصناف شش گانه دیه برای نخستین بار در ماده ۳ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ منعکس شد. اگرچه در تبصره این ماده پرداخت قیمت هر یک از امور شش گانه در صورت تراضی طرفین پیش بینی شده بود، این موضوع مشکلات زیادی را برای اولیای دم و دستگاه قضایی ایجاد کرده بود، چراکه در مواردی جانی به هر دلیل به پرداخت مبلغ یکی از اصناف دیه رضایت نمی داد و با اصرار بر پرداخت یکی از اعیان شش گانه، اولیای دم و محاکم اجرای احکام را دچار مشکل می کرد. این موضوع باعث شد قانون گذار در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با تکرار اصناف شش گانه دیه، امکان پرداخت قیمت هر یک از اصناف شش گانه را نیز در صورت تعذر همه آنها پیش بینی کند.

و تبصره ذیل آن و رفع مشکل نسبی معضل مردم و قوه قضائیه طی شماره م/۱۸/۱۹۴۶۷/۱۰/۱۳۷۳ از محضر مبارک استفتاء و در پاسخ فرموده اند: «باسمه تعالی: با سلام و تحیت، به همان نحو که مرقوم فرموده اند صحیح است و به نظر می رسد ادای قیمت کنونی اجناس، امروزه کافی است ولی به خاطر تردیدی که در باب حله موضوعاً و حکماً هست لازم است این جنس از محدوده محاسبه خارج باشد» (ره توشه قضایی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

مشخص نبودن ملاک تعدّر و نیز مرجع تشخیص آن و سایر مشکلات اجرایی ماده ۲۹۷ باعث شد قوه قضائیه پس از پایان مهلت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، لایحه‌ای را تحت عنوان لایحه قانون مجازات اسلامی در آبان ماه ۱۳۸۶ تقدیم هیئت وزیران کند. در ماده ۱-۴۲۱ این لایحه^۱ همانند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اصناف شش گانه دیه مورد حکم قرار گرفته بود، ولی قوه قضائیه با ابتکاری در تبصره ۱ این ماده چنین مقرر داشت که به دلیل متعدّر بودن گونه‌های مذکور در بندهای چهارم تا ششم، انتخاب آن ممکن نبوده و جانی باید از گونه‌های دیگر انتخاب کند. هیئت وزیران این لایحه را در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۰ به تصویب رساند و آن را جهت طی مراحل قانونی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. پس از بررسی مواد لایحه پیشنهادی توسط کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، این کمیسیون در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ در خصوص اصناف دیه بدین نحو مقرر کرد: «ماده ۵۵۳- موارد دیه کامل در ابتدای هر سال توسط قوه قضائیه به تفصیل و بر اساس مقررات شرعی تعیین و اعلام خواهد شد».

۱. «ماده ۱-۴۲۱: دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور شش گانه ذیل است که پرداخت کننده در انتخاب هر یک از آنها مخیر بوده و تلفیق آنها جایز نیست مگر با تراضی طرفین.
 - ۱- یکصد شتر سالم که خیلی لاغر نباشند.
 - ۲- دویست گاو سالم که خیلی لاغر نباشند.
 - ۳- یک هزار گوسفند سالم که خیلی لاغر نباشند.
 - ۴- دویست حله یمنی.
 - ۵- یک هزار دینار مسکوک رایج برای مقتول که هر دیناری مثقال شرعی تمام به وزن ۱۸ نخود است.
 - ۶- ده هزار درهم مسکوک رایج و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.
- تبصره ۱- انتخاب گونه‌های مزبور در بندهای چهارم تا ششم به دلیل متعدّر بودن آن ممکن نبوده و جانی باید از گونه‌های دیگر انتخاب نماید. پرداخت قیمت هر یک از احشام سه گانه در صورت تراضی طرفین و یا تعدّر همه آنها کافی خواهد بود.
- تبصره ۲- هیأتی که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود، هر سال یک بار، قیمت هر یک از احشام سه گانه فوق را با توجه به نوع قتل اعلام خواهد کرد.
- تبصره ۳- در صورت امتناع پرداخت کننده، قاضی قیمت اعلامی شتر را به عنوان دیه انتخاب خواهد نمود».

شورای نگهبان در راستای صلاحیت نظارتی مقرر در اصل ۹۴ قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ با تشکیل جلسه و بررسی این ماده، مفاد آن را مغایر با موازین شرع و اصول قانون اساسی تشخیص داد.^۱ اگرچه نظر شورای نگهبان در این خصوص بسیار کلی است و دقیقاً معلوم نشده است که کدام قسمت از مصوبه مجلس با کدام یک از موازین شرعی مغایر است، با دقت در مشروح مذاکرات این شورا می‌توان گفت تلقی شورای نگهبان از عبارت «موارد دیه کامل» در مصوبه نخست مجلس، تعیین مقادیر و ارزش اصناف دیه در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه بوده است (مشروح مذاکرات شورای نگهبان: جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۵). بر اساس این برداشت، شورا مصوبه مجلس را از دو جهت واجد اشکال دانسته بود:

نخست آنکه در این مصوبه اختیار جانی برای پرداخت یکی از اصناف دیه و یا قیمت آن با تراضی اولیای دم سلب شده است، حال آنکه بر اساس فتوای مقام رهبری،^۲ جانی به انتخاب خود می‌تواند یکی از اصناف دیه را پرداخت کند و در صورت تراضی طرفین، پرداخت قیمت یکی از آن اصناف نیز بلامانع است. بر این اساس، ماده مزبور از این حیث که این حق انتخاب را از اولیای دم سلب کرده و آن را به رئیس قوه قضائیه سپرده است، مغایر با موازین شرع شناخته شد. دوم آنکه با توجه به اینکه دیه نوعی مجازات محسوب می‌شود، نوع و میزان آن باید توسط قانون مشخص شود نه رئیس قوه قضائیه، پس این ماده به دلیل واگذاری تعیین موارد دیه به رئیس قوه

۱. نظر شماره ۴۰۶۲۷/۳۰/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱ شورای نگهبان پیرامون ماده ۵۵۳ مصوب نخست مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۵۳، خلاف موازین شرع است (با توجه به فتاوی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی) و نیز مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی شناخته شد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

۲. «سؤال: آیا بعد از انتخاب نوع دیه توسط جانی و با (تعذر عین آن) بدون رضایت مجنی علیه یا ورثه شرعی و قانونی او می‌توان منتقل به قیمت نمود و در صورت عدم توافق، تکلیف چیست؟ پاسخ: گرچه انتخاب یکی از اصول شش گانه دیه با شخص جانی است، لیکن تبدیل آن به قیمت موقوف بر توافق و تراضی طلبکار و بدهکار دیه است و در صورتی که اصل انتخابی جانی متعذر باشد، چنانچه یکی دیگر از اصول شش گانه ممکن باشد، طلبکار دیه می‌تواند قیمت اصل انتخابی جانی را نپذیرد و مطالبه عین یکی از اصول شش گانه با واگذاری حق انتخاب به جانی را نماید و جانی مکلف به انتخاب یکی از اصول قابل تحویل و تسلیم است» (ره‌توشه قضایی، ۱۳۹۰: ۱۰۹-۱۱۰).

قضائیه مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی است، زیرا طبق این اصل، حکم به مجازات باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷: ۳۴۱-۳۴۲). در نهایت، مجلس شورای اسلامی در راستای رفع ایرادات شورای نگهبان، این ماده را بدین شرح اصلاح کرد: «ماده ۵۴۹- موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می شود».

۴. ارزیابی عملکرد مجلس و شورای نگهبان

اگرچه مجلس در تصویب نهایی ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی، مانند قوانین مصوب سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰، مصادیق اصناف شش گانه را صراحتاً ذکر نکرده است، با ارجاع تعیین موارد دیه بر اساس موازین شرع، عملاً تمامی آن اصناف را مورد حکم قرار داده است. این رویکرد مجلس اگرچه در راستای رفع ایرادات شورای نگهبان بوده است، عملکرد مجلس در این خصوص از جهاتی قابل نقد است:

نخست، به نظر می رسد عبارت «موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است» در صدر ماده ۵۴۹ دارای ابهام است و می تواند موجب تشتت آراء محاکم دادگستری در مسئله شود، چراکه مراد از «مقررات شرع» دقیقاً معلوم نیست و ممکن است این عبارت بر نظر مشهور فقها یا فتوای ولی فقیه و یا حتی فتاوی شاذ حمل شود و در نتیجه با توجه به اختلاف نظرهای فقهی موجود در این خصوص، برخی از محاکم دادگستری، همه اصناف شش گانه را ملاک انتخاب جانی قرار داده و برخی تنها به یک یا چند صنف حکم کنند، در حالی که مستفاد از فتوای مقام رهبری در این خصوص، آن است که جانی باید دیه را از بین انعام ثلاثه پرداخت کند.

با این حال، با عنایت به نتیجه حاصل از بررسی فقهی و نیز فتوای رهبری مبنی بر فقدان موضوعیت حله، درهم و دینار و پذیرش تخیر جانی در انتخاب یکی از انعام سه گانه شتر، گاو

و گوسفند یا قیمت سوقیه رایج آنها، در صورتی که جانی بخواهد یکی از اعیان را به عنوان دینه به ولی دم پرداخت کند تنها باید از بین شتر، گاو و گوسفند یکی را بپردازد. بدیهی است در صورتی که جانی با تراضی ولی دم خواهان پرداخت قیمت یکی از شتر، گاو یا گوسفند باشد، باید قیمتی را که رئیس قوه قضائیه بر اساس فتوای رهبری در ابتدای هر سال تعیین کرده است پرداخت کند، چراکه با توجه به اختلاف قیمت هر یک از انعام ثلاثه در کشور، مبنا قرار گرفتن قیمت اعلامی رئیس قوه قضائیه بر اساس نظر رهبری می تواند به اختلاف نظرهای بین جانی و اولیای دم خاتمه دهد.

دوم، توجه به مبانی نظر شورای نگهبان در اعلام مغایرت مصوبه مجلس با موازین شرع و قانون اساسی بیانگر آن است که اساساً شورای نگهبان با وجود فتوای رهبری در عدم موضوعیت حله، درهم و دینار اصراری به احیاء مجدد همه اصناف شش گانه در قانون جدید نداشته است، بلکه نقطه تمرکز ایراد شورای نگهبان، واگذاری تعیین موارد دینه کامل و قیمت آنها به رئیس قوه قضائیه بوده است. بر همین مبناست که در جریان بررسی مصوبه مجلس، اعضای این شورا بارها به انطباق ماده ۱-۴۲۱ لایحه مجازات اسلامی - که توسط قوه قضائیه تهیه و به واسطه دولت به مجلس ارسال شده بود - با فتوای مقام رهبری و موازین شرع تصریح کرده اند و حتی برخی پیشنهاد جایگزینی متن لایحه با مصوبه مجلس را داشتند (مشروح مذاکرات شورای نگهبان: جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۵). علت این موضوع نیز آن است که ضمن آنکه در متن لایحه به اختیار جانی در انتخاب یکی از اصناف دینه توجه شده بود، امکان پرداخت قیمت هر یک از انعام ثلاثه در صورت تراضی طرفین نیز پیش بینی شده بود. علاوه بر این، یکی از ابتکارات قابل تحسین ماده ۱-۴۲۱ لایحه آن بود که طبق تبصره ۱ آن دایره انتخاب جانی برای پرداخت اصناف دینه محدود به انعام ثلاثه شده بود و پرداخت سایر گونه ها یعنی حله، درهم و دینار به دلیل متعذر بودن آن در عصر کنونی ممکن دانسته نشده بود. با این توضیح، به نظر می رسد اگر مجلس از ابتدا همان متن لایحه را تصویب می کرد، ضمن اینکه متن قانون پیراسته از ابهام بود، به دلیل انطباق ماده با فتوای رهبری و مقتضیات جامعه امروزی با ایرادات شورای نگهبان نیز مواجهه نمی شد.

هر چند نظارت شرعی شورای نگهبان در خصوص اصناف دیه به درستی منجر به حذف اختیار رئیس قوه قضائیه در تعیین موارد دیه و مقادیر آن شد، این نظارت از جهاتی جامع و دقیق نبوده است: نخست آنکه با توجه به تصریح برخی اعضا به اتقان و قوت ماده ۱-۴۲۱ لایحه مجازات اسلامی در مقایسه با ماده مصوب مجلس، بر اساس رویه‌ای که این شورا در مورد برخی قوانین از جمله قانون مجازات اسلامی داشته است،^۱ شایسته بود به مجلس پیشنهاد رجوع به متن ماده مقرر در لایحه و اصلاح مصوبه بر اساس آن داده می‌شد. دوم آنکه با توجه به ابهام‌انگیز بودن عبارت «موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است»، در صدر ماده ۵۴۹، انتظار می‌رفت با توجه به فتوای رهبری در عدم موضوعیت درهم، دینار و حله، جهت جلوگیری از تشتت آراء محاکم در این خصوص، عبارت مزبور واجد ابهام دانسته می‌شد و اصلاح عبارت طبق فتوای رهبری پیشنهاد می‌شد. علاوه بر این، یکی از بایسته‌های نظارت شورا بر مصوبات مجلس آن است که پس از احراز مغایرت، مبنای ایراد به روشنی بیان شود، چرا که مطابق با ماده ۱۸۵ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، «شورای نگهبان در صورت رد مصوبات مجلس موظف است علت رد را صریحاً به مجلس گزارش نماید». از این رو، انتظار می‌رفت شورای نگهبان مانند برخی از اظهارنظرهای خود،^۲ به طور دقیق مبنای مغایرت مصوبه نخست مجلس را ذکر می‌کرد تا

۱. به عنوان نمونه، شورای نگهبان در خصوص تبصره ماده ۴۹۹ مصوب نخست مجلس پیرامون قانون مجازات اسلامی به این شرح اظهار نظر کرده بود: «تعریف ولی در تبصره ماده ۴۹۹ مبهم است و عبارت صدر تبصره ۲ لایحه پیشنهادی، رافع این ابهام می‌باشد؛ بنابراین باید روشن شود تا اظهار نظر گردد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ۱۷۵). همچنین، در خصوص ماده ۱۴ مصوب نخست مجلس پیرامون همین قانون آمده بود: «تقسیم مجازات‌ها در این ماده باید به نحوی که در لایحه و ماده ۱۲ قانون فعلی آمده اصلاح شود» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ۱۸).

۲. به عنوان نمونه شورای نگهبان در خصوص مواد (۳۷۸) و (۳۸۳) مصوبه مجلس به این شرح اظهار نظر کرده بود: «اطلاق احکام مذکور در قسمت‌های اخیر مواد (۳۷۸) و (۳۸۳) خلاف موازین شرع است؛ زیرا در مواردی مانند جنایت بر مهدورالدم نه قصاص ثابت است و نه دیه و نه تعزیر و گاه فقط تعزیر ثابت است؛ لذا عبارت «در غیر این صورت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) است» در هر دو ماده باید به عبارت «در غیر این صورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد»، تبدیل شود» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ۱۳۹ و ۱۴۲).

مجلس در اصلاح ماده دچار سرگردانی و انحراف نمی‌شد و ماده را بر اساس استظهار شورای نگهبان اصلاح می‌کرد.

نتیجه

اگرچه در صورت تردید در الهی بودن یا حکومتی یک حکم، اصل و قاعده مقتضی الهی بودن آن حکم است، این موضوع در جایی است که قرائنی مبنی بر قضایی یا حکومتی بودن حکم وجود نداشته باشد. از این رو، با توجه به قرائن موجود در روایات باب دیه، حکم به پرداخت صنف یا اصنافی از دیه توسط پیامبر و معصومین (علیهم‌السلام) به اعتبار شأن ولایی و حکومتی ایشان بوده است. بر همین مبنا، با توجه به فتوای مقام رهبری مبنی بر فقدان موضوعیت حله، درهم و دینار در عصر حاضر، انتخاب جانی برای پرداخت دیه از اعیان، شرعاً محدود به انعام سه‌گانه است و در صورت توافق جانی و اولیای دم، قیمت انعام ثلاثه، که بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود، ملاک عمل خواهد بود.

با وجود محاسن فراوان عملکرد شورای نگهبان در نظارت بر ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی، کنترل دقیقی بر مصوبه مجلس اعمال نشده است، چراکه بر اساس این ماده تعیین موارد دینه کامل به طور کلی و مبهم به مقررات شرعی واگذار شده است. این موضوع ضمن آنکه برخلاف فتوای مقام رهبری، موجب احیاء مجدد تمامی اصناف شش‌گانه دیه در کشور می‌شود، زمینه‌ساز تشتت آراء دادگاه‌ها در حکم به اصناف دیه خواهد بود. راهکاری که برای برون‌رفت از این ایراد و ابهام به نظر می‌رسد آن است که با توجه به انطباق کامل ماده ۱-۴۲۱ لایحه مجازات اسلامی با موازین فقهی در این خصوص و تصریح به اتقان و قوت این ماده توسط برخی از اعضای شورای نگهبان، لازم است در بازنگری بعدی قانون مجازات اسلامی، متن لایحه مجازات اسلامی جایگزین ماده فعلی شود.

منابع

الف. فارسی

- 0 پژوهشکده شورای نگهبان. (۱۳۹۷). مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، محقق: محمدهادی توکل پور، مصطفی مسعودیان، کاظم کوهی اصفهانی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- 0 پژوهشکده شورای نگهبان. (۱۳۹۵). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، تهیه و تنظیم فهیم مصطفی زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
- 0 پژوهشکده شورای نگهبان، مشروح مذاکرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۵، در دست انتشار.
- 0 سروش محلاتی، محمد. (۱۳۹۶). «حکم دیه؛ شرعی یا سلطانی» (گزارشی از نشست فقه پژوهی دیه)، قم، مجله صغیر حیات، سال سوم، شماره ۱۸.
- 0 شفیعی سروسنانی، ابراهیم؛ رحمان ستایش، محمد کاظم؛ قیاسی، جلال الدین. (۱۳۷۶). قانون دیات و مقتضیات زمان و مکان، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- 0 طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۴۱). بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- 0 مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا. (۱۳۹۰). ره توشه قضایی: استفتائات قضایی از محضر رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی، چاپ اول، قم، نشر قضا.
- 0 هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۷۸). بایسته‌های فقه جزا، تهران، نشر میزان.

- ب. عربی
- 0 قرآن کریم.
- 0 ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی. (۱۴۰۵). *عوالی اللثالی العزیزیه*، ج ۱، چاپ اول، قم، دار سیدالشهداء للنشر.
- 0 ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*، ج ۱۱، چاپ سوّم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- 0 اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، ج ۱۴، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 0 جعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۳۷۶). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۲، چاپ دهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- 0 جعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۹). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام*، ج ۱۵، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- 0 حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، ج ۲۹، چاپ دوّم، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- 0 حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علّامه حلّی). (۱۴۱۴). *تذکره الفقهاء*، ج ۹، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- 0 طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ج ۷، چاپ اول، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- 0 عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (بی تا). *القواعد و الفوائد*، ج ۱، چاپ اول، قم، کتابفروشی مفید.
- 0 عاملی، سید محمد جواد. (بی تا). *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، ج ۱۰، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- ۰ فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی. (بی تا). *مفاتیح الشرائع*، ج ۲، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۰ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷). *الکافی*، ج ۵، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۰ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۰ (۱۳۶۳). *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، ج ۲۴، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۰ (۱۴۰۷). *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، ج ۱۶، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۰ موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۱۴). *بدائع الدرر فی قاعده نفی الضرر*، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۰ (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*، ج ۲، چاپ دوم، نجف اشرف، مطبعه الآداب.
- ۰ موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲). *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۴۲، چاپ اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- ۰ نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.